

## بررسی رابطه بین سبک های یادگیری با خودکارآمدی دانش آموزان هنرستان های فنی و حرفه ای دخترانه شهر اصفهان

فریبا معظم<sup>۱</sup>، مریم براتعلی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشکده علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران  
<sup>۲</sup> استاد یار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشکده علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک های یادگیری با خودکارآمدی دانش آموزان هنرستان های فنی و حرفه ای دخترانه شهر اصفهان صورت گرفت. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری آن کلیه این دانش آموزان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵، به تعداد ۴۱۹۵ نفر بود که از این تعداد ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه شامل پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی شرر و پرسشنامه استاندارد سبک های یادگیری کلب (۱۹۸۵) استفاده گردید. ضریب پایایی پرسشنامه خودکارآمدی براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و در پرسشنامه سبک های یادگیری ضریب پایایی برای بعد احساس کردن ۰/۷۸، برای تماشا کردن ۰/۷۹، برای بعد فکرکردن ۰/۷۳ و برای بعد انجام دادن ۰/۷۹ برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون های رگرسیون چند گانه، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس چند راهه) با استفاده از بسته نرم افزار آماری spss نسخه ۱۹ انجام گرفت. یافته های تحقیق در سطح  $(p \leq 0/05)$  نشان داد که در بین چهار سبک احساس کردن، تماشا کردن، فکرکردن و انجام دادن، تنها بین دو سبک احساس کردن و فکرکردن با خودکارآمدی رابطه معنادار وجود داشته است که از بین این دو سبک تنها، سبک احساس کردن پیش بین معناداری برای خودکارآمدی بوده است. نتایج نشان داد که بین نمرات خودکارآمدی بر حسب سبک های یادگیری تفاوت معنی دار وجود دارد بدین معنی که بین نمرات خودکارآمدی دانش آموزان با سبک یادگیری همگرا با دانش آموزان با سبک یادگیری واگرا تفاوت معنی دار وجود دارد.

**واژه های کلیدی:** خودکارآمدی، سبک های یادگیری، دانش آموزان فنی و حرفه ای

## ۱. مقدمه

یکی از اهداف آموزش و پرورش در ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری در تمام جوامع، کمک به فرد است تا خودکارآمد شود. برای این که فردی در بزرگسالی کارآمد باشد باید این خصوصیت را در دوران طفولیت و دانش آموزی درخود بپروراند. این هدف را با برنامه ریزی های از پیش تعیین شده و سه راهبرد عمومی (الگو سازی، استفاده از بازخورد اطلاعات و بازآموزی اسناد) در جهت کارآمدی هرچه بیشتر و همچنین ارتقای سطح انگیزه پیشرفت آنها می توان تأمین کرد. یکی از مؤلفه های تأثیر گذار بر خودکارآمدی دانش آموزان سبک های یادگیری آنهاست. سبک یادگیری عبارت است از روش منحصر به فردی که شخص در آن اطلاعات جدید یا مشکل دار را در محیط های آموزشی، درک و پردازش می کند. سبک یادگیری یک سبک شخصی یا رفتار کلی نیست، روشی است که اشخاص با آن متمرکز می شوند و اطلاعات را در موقعیت های آموزشی درک می نمایند.

نظریه خودکارآمدی بیان می کند که باور فرد به توانایی های خود، رفتارهای مورد نیاز برای کسب نتایج مثبت مورد انتظار را ایجاد می کند و موجب می شود که فرد برای به کارگیری رفتار خود، تلاش های مضاعفی انجام دهد. افراد با باورهای خودکارآمدی قوی، نسبت به افراد دارای باورهای ضعیف، در انجام دادن تکالیف کوشش و پافشاری بیشتری از خود نشان می دهند و در نتیجه عملکرد آنها در انجام دادن تکالیف بهتر است.

امروزه دانش آموزان هنرستان های فنی حرفه ای گروه کثیری از دانش آموزان دوره متوسطه دوم راتشکیل می دهند و یکی از ویژگی هایی که برای این گروه حائز اهمیت است خودکارآمدی و تقویت آن می باشد. چرا که دانش آموزان رشته های فنی و حرفه ای به دلیل ماهیت رشته تحصیلی شان، بایستی از پشتکار، تمرکز بر هدف و تعمق و ژرف نگری و قدرت حل مسئله بالایی برخوردار باشند تا بتوانند به اهداف برنامه های درسی رشته های فنی و حرفه ای دست یابند. تاکنون تحقیقات متعددی در زمینه خودکارآمدی و ویژگی هایی که به نوعی با آن در ارتباط بوده اند انجام شده است. از بین این تحقیقات می توان به تحقیقاتی که توسط شیرزادی و همکاران (۱۳۹۵) [۱]، اعتمادی نائینی و همکاران (۱۳۹۵) [۲]، خلیفه و همکاران (۱۳۹۵) [۳]، وون گتینلای و همکاران (۲۰۱۵) [۴] و سن و یلماز (۲۰۱۲) [۵] انجام گرفته است، اشاره نمود. در بین تحقیقات انجام شده، روابط بین ویژگی هایی چون سبک های یادگیری، نگرش به رشته تحصیلی، یادگیری، قدرت حل مسئله، خلاقیت با خودکارآمدی بررسی گردیده است. در بین متغیرهای فوق، سبک های یادگیری در بین دانش آموزان فنی و حرفه ای بسیار مهم می باشد.

وون گتینلای و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان بررسی سبک های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان پرستاری در کالج سلطنتی نیروی دریایی تایلند دریافتند که ۸۹/۸ درصد دانشجویان پرستاری دارای سبک حسی و ۱۰/۲ درصد دارای سبک شهودی برای یادگیری هستند. همچنین یافته های پژوهش رابطه معناداری بین سبک های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان مشخص نکرده بودند [۴].

سن و یلماز (۲۰۱۲) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر سبک های یادگیری بر تصورات اشتباه و خود کار آمدی دانشجویان برای یادگیری و عملکرد انجام دادند. این پژوهش میزان استفاده دانش آموزان از سبک های یادگیری کلب، خودکارآمدی و میزان یادگیری آنان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که دانش آموزان با سبک یادگیری جذب کننده به طور معناداری نمرات بهتر و تصورات غلط کمتری از دانش آموزان با سبک یادگیری واگرا داشتند. البته در صورتی که محیط تدریس با توجه به سبک های یادگیری مختلف انتخاب شده باشد، عملکرد یادگیری هر دو گروه مشابه گزارش شده بود. همچنین دانش آموزان با باورهای خودکارآمد به طور معناداری بیشتر از سبک یادگیری همگرا استفاده می نمودند [۵].

کلب (۱۹۸۵) معتقد است که بی توجهی به امر تفاوت های فردی در زمینه یادگیری منجر به کاهش بازدهی آموزشی می شود. بنابراین مطالب و موضوعات یادگیری باید با توجه به موقعیتی مطرح شود که فرد در آن قرار دارد [۶].

غیبی و همکاران (۱۳۹۱) بیان داشتند که برای ایجاد یا افزایش خودکارآمدی دانشجویان لازم است آنها از سبک‌های یادگیری هر رشته تحصیلی و مشاغل مرتبط با آن آگاهی یابند تا بتوانند از نظر تحصیلی و شغلی موفق باشند [۷].

در پژوهشی که قلی زاده و احقر (۱۳۹۱) در بررسی نقش سبک‌های یادگیری در تبیین خودکارآمدی دانش آموزان دوره متوسطه انجام دادند یافته ها حاکی از این است که سبک‌های یادگیری واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده در خودکارآمدی دانش آموزان مؤثر است و دانش آموزان در یادگیری سبک‌های متفاوتی دارند و از سبک خاصی پیروی نمی کنند. مقایسه میانگین نمرات مؤید آن است که میزان خودکارآمدی دانش آموزانی که از سبک یادگیری واگرا استفاده می کنند به طور معناداری بیشتر از سبک‌های یادگیری همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده است [۸].

در پژوهشی که اعتمادی نائینی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی، راهبردهای شناختی- فراشناختی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان مبارکه در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ انجام دادند، نتایج نشان می دهد که بین خودکارآمدی و سبک‌های شناختی رابطه مستقیم، مثبت و معنادار وجود دارد [۲].

شیرزادی و همکاران (۱۳۹۵) به پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش میانجی افعال کاری در رابطه بین سبک‌های یادگیری و خودکارآمدی در دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان بجنورد در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ پرداخت. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که کلیه سبک‌های یادگیری (سبک همگرا، سبک انطباق یابنده، سبک جذب کننده و سبک واگرا) در رابطه با خودکارآمدی رابطه معنی داری دارند [۱].

خلیفه و همکاران (۱۳۹۳) به پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری با خودکارآمدی رایانه‌ای در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ پرداختند. یافته ها حاکی از آن بود که بین نمرات خودکارآمدی رایانه‌ای افراد با سبک‌های یادگیری مختلف تفاوت معنی داری وجود دارد. دانشجویان دارای سبک یادگیری همگرا میزان خودکارآمدی رایانه‌ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارای سبک یادگیری واگرا در سطح دارند و دانشجویان دارای سبک یادگیری جذب کننده دارای میزان خودکارآمدی رایانه‌ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارای سبک یادگیری انطباق یابنده هستند. همچنین بین جنسیت و خودکارآمدی رایانه‌ای رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. روشی که یادگیرنده در یادگیری خود آن را به روش‌های دیگر ترجیح می دهد، به عبارت دیگر، سبک های یادگیری همان ترجیحات فرد هستند [۳].

منصوری (۱۳۷۹) بیان می کند کلب معتقد است که یادگیری در یک چرخه چهار مرحله ای صورت می گیرد که هر مرحله معرف یک شیوه یادگیری است:

- شیوه یادگیری تجربه عینی (احساس کردن): تجربه عینی و فوری
- شیوه یادگیری مشاهده تأملی (تماشا کردن): مشاهده و تفکر در مورد تجربه
- شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی (فکر کردن): تدوین فرضیه یا نظریه در مورد آن
- شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (انجام دادن): آزمون فرضیه در موقعیت عملی [۹].

از ترکیب دوه دوی شیوه های یادگیری، چهار سبک یادگیری به وجود می آید :

۱- سبک انطباق یابنده : از اجتماع دو شیوه یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال ایجاد می شود. افراد دارای این سبک یادگیری، از تجربه های دست اول می آموزند و از اجرای نقشه و درگیر شدن با اعمال چالش انگیز لذت می برند. این افراد بیشتر از آنکه به تحلیل های منطقی بپردازند امور محسوس را ترجیح می دهند (سیف، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸) [۱۰].

۲- سبک یادگیری همگرا: در این سبک یادگیری، دو شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال با هم ترکیب می گردند. افراد دارای این سبک یادگیری بیشترین توانایی را در کاربرد عملی اندیشه ها و نظریه ها دارند. این افراد می توانند مسائل را حل کنند و براساس راه حل‌هایی که برای مسائل پیدا می کنند، تصمیم‌گیری نمایند (کسر، ۲۰۱۱، ص ۹۶) [۱۱].

۳- سبک یادگیری واگرا: این سبک یادگیری، شیوه های یادگیری تجربه عینی و مشاهده تأملی را درهم می آمیزد. افرادی که دارای این سبک یادگیری هستند، در دیدن موقعیت های عینی از دیدگاه های مختلف، بیشترین توانایی را دارند. رویکرد آنان نسبت به موقعیت های مختلف، بیشتر مشاهده کردن است تا عمل کردن. این گونه افراد علایق فرهنگی زیادی دارند و دوست دارند اطلاعات را جمع آوری کنند (کسر، ۲۰۱۱، ص ۹۶) [۱۱].

۴- سبک یادگیری جذب کننده: سبک یادگیری جذب کننده سبکی است که شیوه های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تأملی را با هم می آمیزد. افرادی که دارای این سبک یادگیری هستند، در درک مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آنها به صورت منطقی بیشترین توانایی را دارند. این افراد به مردم کمتر توجه می کنند و بیشتر به اندیشه ها و مفاهیم انتزاعی علاقه مند هستند. ترجیح می دهند نظریه ای از لحاظ منطقی درست باشد تا آنکه ارزش عملی داشته باشد (کسر، ۲۰۱۱، ص ۹۶) [۱۱].

نتایج پژوهش ها نشان می دهد که دانش آموزانی که سبک یادگیری آنها واگراست، گرایش آنها به موقعیت ها بیشتر بر مبنای مشاهده است تا عمل. این افراد از موقعیت هایی که مستلزم ایجاد اندیشه های وسیع است لذت می برند و متمایل به رابطه با دیگران بوده و از خودکارآمدی بالایی برخوردار هستند (واگنر، ۲۰۰۷) [۱۲].

مروری بر پیشینه پژوهش نشان داد گرایش افراد دارای خودکارآمدی بالا در یادگیری مطالب بیشتر براساس مشاهدات بوده و در رویایی با مشکلات و تکالیف مشکل به جای اجتناب از آنها با تکالیف و مشکلات چالش می کنند. برای رسیدن به اهداف خود، تعهد بالایی دارند. آنها با واقع بینی اهداف را انتخاب و از خود انتظارات معقولی دارند و از یادگیری هایی که نیازمند ایجاد اندیشه های وسیع هستند لذت می برند و متمایل به استفاده از موقعیت یادگیری هستند، قوه تصور بالایی دارند و در یادگیری مطالب کنترل بیشتری دارند (استرانگمن، ۲۰۰۶) [۱۳]. با انجام پژوهش هایی از این دست می توان مشخص کرد که افراد دارای چه سبک یا سبک هایی از خودکارآمدی بالاتری برخوردار هستند. بنابراین با توجه به موارد مطرح شده، این پژوهش درصدد بررسی رابطه بین سبک های یادگیری با خودکارآمدی دانش آموزان دختر هنرستان های فنی و حرفه ای شهر اصفهان است. لذا محقق در طی این تحقیق به دنبال آن است که به این سؤال اصلی بپردازد که سبک های یادگیری بر خودکارآمدی مؤثر است.

## ۲. روش

جامعه مورد نظر این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر هنرستان های فنی و حرفه ای شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ که در پایه دهم و پایه سوم مشغول به تحصیل بودند، بود که طبق آمار به دست آمده از قسمت آمار اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان تعداد آنها ۴۱۹۵ نفر بود.

در این پژوهش با استفاده از فرمول تعیین حجم تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) [۱۴] که در زیر آمده به تعیین حجم نمونه اقدام شد.

فرمول تعیین حجم نمونه

$$n \geq (\lambda * m) + 50 \quad (1)$$

که در آن  $n$  حجم نمونه و  $m$  برابر با تعداد کل مؤلفه های متغیرهای پژوهش بود. در این پژوهش مؤلفه های خودکارآمدی ۵، مؤلفه های نگرش به رشته تحصیلی ۳ و مؤلفه های سبک های یادگیری ۴ می باشد، که جمعاً ۱۲ مؤلفه شده و با قرار دادن در فرمول عدد  $50 + (12 * 8) = 146$  به دست آمد. بنابراین  $n$  تعداد حجم نمونه باید بزرگتر یا مساوی با ۱۴۶ باشد که برای اطمینان بیشتر حجم نمونه ۲۵۰ نفر انتخاب گردید.

## ۳. شیوه نمونه گیری

در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای، به شرح زیر استفاده شد.

مرحله اول: ابتدا از بین نواحی شش گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان، ۴ ناحیه به طور تصادفی انتخاب شد. (نواحی ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

مرحله دوم: از بین هنرستانهای فنی و حرفه ای دخترانه این نواحی ها به صورت تصادفی یک هنرستان انتخاب شد. مرحله سوم: در نهایت از هر مدرسه منتخب نیز ۲ کلاس به شکل تصادفی انتخاب شدند و بدین شکل نمونه مورد نظر ۲۵۰ نفر انتخاب گردید. پس از اینکه پرسشنامه ها توزیع شد و بعد از تکمیل توسط دانش آموزان جمع آوری شدند. پرسشنامه هایی که با دقت تکمیل نشده و ناقص بودند، جدا شدند. سپس پرسشنامه ها با استفاده از کد عددی که به هر بسته پرسشنامه داده شده بود، شناسایی و شماره گذاری شده و جهت ارائه به رایانه، آماده شدند. در نهایت ۲۱۳ پرسشنامه جهت آنالیز وارد برنامه spss شد.

#### ۴. ابزار پژوهش

داده های پژوهش حاضر به روش میدانی و با ابزار پرسشنامه جمع آوری شد. برای جمع آوری اطلاعات و کشف نظرات افراد مورد مطالعه، از پرسشنامه استاندارد شرر برای سنجش خود کارآمدی و پرسشنامه استاندارد کلب جهت سنجش سبک های یادگیری استفاده شد.

الف) پرسشنامه خود کارآمدی: پرسشنامه استاندارد سنجش خودکارآمدی شرر و همکاران که دارای سی گویه است و پنج مولفه خودکارآمدی شامل انگیزش درونی (۴ گویه)، تمرکز بر هدف (۴ گویه)، تعمق بر هدف (۵ گویه)، حل مساله (۵ گویه) و خود ارزشیابی (۶ گویه) را می سنجد و براساس مقیاس پنج درجه ای تنظیم شده است. این پرسشنامه دارای شش سؤال خنثی می باشد. در این پرسشنامه سؤالات ۱-۹-۱۳-۱۷-۲۱ و ۲۵ سؤالات خنثی هستند. سؤالات ۳-۵-۶-۷-۸-۱۱-۱۲-۱۴-۱۸-۲۰-۲۲-۲۴-۲۶-۲۹-۳۰ نمره ای آن ها برعکس می شود بدین ترتیب که گزینه ی خیلی کم (مخالفم) ۵ امتیاز، کم (نسبتاً مخالفم) ۴ امتیاز، نظری ندارم ۳ امتیاز، زیاد (نسبتاً موافقم) ۲ امتیاز و خیلی زیاد (موافقم) ۱ امتیاز به خود اختصاص می دهند و سؤالات ۴-۱۰-۱۳-۱۵-۱۶-۱۹-۲۱-۲۳-۲۷-۲۸ در این سؤالات گزینه خیلی زیاد (موافقم) ۵ امتیاز، زیاد (نسبتاً موافقم) ۴ امتیاز، نظری ندارم ۳ امتیاز، کم (نسبتاً مخالفم) ۲ امتیاز و خیلی کم (مخالفم) ۱ امتیاز به خود اختصاص می دهند. نمره ای که فرد کسب می کند مجموع نمرات سؤال ها (بجز سؤالات خنثی) می باشد. حداقل نمره ای که دانش آموز می تواند در این پرسشنامه کسب کند. ۲۴ و حداکثر آن ۱۲۰ است، که میانگین آن ۷۲ می باشد.

پرسشنامه سنجش خودکارآمدی شرر و همکاران استاندارد بوده و در پژوهش های مختلف از جمله پژوهش رشیدی (۱۳۹۰) [۱۵] روایی آن مورد تأیید صاحب نظران قرار گرفته است پایایی پرسشنامه خودکارآمدی استاندارد شرر قبلاً توسط وی و همکارانش ۰/۷۶ گزارش شده است. همچنین در پژوهش رشیدی (۱۳۹۰) [۱۵] پایانی آن ۰/۸۱ گزارش شده است. در پژوهش دیگری که توسط نقره کوب مقدم (۱۳۹۴) [۱۶] انجام شد، برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن ۰/۸۲ محاسبه گردید. در این پژوهش طبق یافته ها از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی پرسشنامه خودکارآمدی استاندارد شرر ۰/۸۰ محاسبه گردید که چون مقدار آن بزرگتر از ۰/۷ است نشان می دهد که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می باشد. در ادامه نتایج این آزمون در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱) - ضریب پایایی کل پرسشنامه خودکارآمدی

پرسشنامه	ضریب پایایی
خودکارآمدی شرر	۰/۸۰

ب) پرسشنامه سبک های یادگیری کلب : پرسشنامه استاندارد سبک های یادگیری کلب (۱۹۸۵) دارای ۱۲ سؤال و هر سؤال دارای چهارگزینه می باشد، گزینه اول همه سؤالات اشاره به شیوه یادگیری از طریق احساس کردن دارد (تجربه عینی (CE)). گزینه دوم همه سؤالات اشاره به شیوه یادگیری از طریق تماشای کردن دارد. (مشاهده تأملی (RO)). گزینه سوم همه سؤالات اشاره به شیوه یادگیری از طریق فکر کردن دارد. (مفهوم سازی انتزاعی (AC)) و گزینه چهارم همه سؤالات اشاره به شیوه یادگیری از طریق انجام دادن دارد. (آزمایشگری فعال (AE)). با جمع امتیاز هر یک از این ۴ گزینه در ۱۲ جمله پرسشنامه، چهار نمره به دست می آید که سبک های یادگیری فرد را نشان می دهند. با تفریق نمره شیوه فکر کردن از نمره شیوه احساس کردن و تفریق نمره شیوه انجام دادن از شیوه تماشای کردن دو نمره به دست می آید. این دو نمره روی دو محور مختصات ( با توجه به منفی و مثبت بودن نمره حاصل ) قرار می گیرند: در یک سر محور عمودی شیوه یادگیری از طریق احساس کردن (تجربه عینی) در بالا و در انتهای دیگر آن یادگیری از طریق فکر کردن (مفهوم سازی انتزاعی) در پایین محور عمودی و در یک سر محور افقی یادگیری از طریق انجام دادن (آزمایشگری فعال) در سمت چپ و در انتهای دیگر، یادگیری از طریق تماشای کردن (مشاهده تأملی) در سمت راست محور افقی قرار می گیرد. این دو محور چهار ربع یک مربع را تشکیل می دهند که هر ربع آن بیانگر یکی از سبک های یادگیری است. روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی، توسط حسینی لرگانی (۱۳۷۷) و میرانصاری (۱۳۷۸) تأیید شده است (غیبی و همکاران، ۱۳۹۱) [۷]. ضریب پایایی پرسشنامه کلب توسط کلب (۱۹۸۵)، با استفاده از روش آلفای کرونباخ انجام شد که ضریب پایایی پرسشنامه به شرح جدول (۲) می باشد:

#### جدول (۲) - پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ

سبک های شناختی کلب	ضریب پایایی (کلب)
تجربه عینی (CE)	۰/۸۲
مشاهده تأملی (RO)	۰/۷۳
مفهوم ساز انتزاعی (AC)	۰/۸۳
آزمایشگری فعال (AE)	۰/۷۸
تجربه عینی - مفهوم سازی انتزاعی (CE-AC)	۰/۸۸
مشاهده تأملی - آزمایشگری فعال (AE-RO)	۰/۸۱ (قلی زاده و احقر، ۱۳۹۱) [۸].

در این پژوهش برای مشخص نمودن پایایی پرسشنامه سبک های یادگیری از ضریب آلفای کرونباخ طبق جدول (۳) استفاده شد. طبق یافته های جدول (۳) از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی برای بعد احساس کردن ۰/۷۸، برای تماشای کردن ۰/۷۹، برای بعد فکر کردن ۰/۷۳ و برای بعد انجام دادن ۰/۷۹ محاسبه گردید، که چون مقدار هر کدام از آنها بزرگ تر از ۰/۷ است، نشان می دهد که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می باشد.

#### جدول (۳) - ضرایب پایایی ابعاد پرسشنامه سبک های یادگیری

پرسشنامه	ضریب پایایی
احساس کردن	۰/۷۸
تماشا کردن	۰/۷۹
فکر کردن	۰/۷۳
انجام دادن	۰/۷۹

## ۵. یافته ها

یافته های حاصل از توصیف اطلاعات پژوهش نشان داد که ۵۶/۳ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش در پایه دهم مشغول به تحصیل هستند و معدل سال گذشته یا ترم گذشته ۷۰/۴ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش ۱۷ و بالاتر است. نتایج نشان داد ۶۸/۱ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش پدران شان دارای شغل آزاد و ۸۴/۵ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش مادران شان خانه دار هستند. یافته ها حاکی از بود که میزان تحصیلات پدر ۳۸/۵ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش دیپلم و تحصیلات مادر ۴۷/۴ درصد از آنان دیپلم است. نتایج طبق جدول (۴) نشان داد میانگین خودکارآمدی ۳/۴۳ و انحراف معیار آن ۰/۴۴ است.

جدول (۴) - میانگین و انحراف معیار نمرات خود کار آمدی

مقیاس	شاخص های آماری	
	میانگین	انحراف معیار
خود کار آمدی	۳/۴۳	۰/۴۴

نتایج جدول (۵) نشان می دهد میانگین ابعاد احساس کردن، تماشا کردن، فکر کردن و انجام دادن از سبک یادگیری به ترتیب برابر ۲/۲۰، ۲/۵۴، ۲/۷۱، ۲/۷۱ است. نتایج مؤید آن است که سبک یادگیری انجام دادن با میانگین ۲/۷۱ بالاتر از سایر سبک های یادگیری قرار دارد و سبک یادگیری احساس کردن با میانگین ۲/۲۰ پایین تر از سایر شیوه های یادگیری بوده است.

جدول (۵) - میانگین و انحراف معیار نمرات مؤلفه های سبک یادگیری

مقیاس	شاخص های آماری	
	میانگین	انحراف معیار
احساس کردن	۲/۲۰	۰/۴۴
تماشا کردن	۲/۵۴	۰/۴۸
فکر کردن	۲/۵۳	۰/۴۴
انجام دادن	۲/۷۱	۰/۵۲

بررسی سؤال پژوهش : سبک های یادگیری تا چه میزان توان پیش بینی خود کار آمدی را دارد؟

یافته های جدول (۶) نشان می دهد ضریب همبستگی بین سبک های یادگیری احساس کردن و فکر کردن با خودکارآمدی معنی دار است. یعنی بین سبک های یادگیری احساس کردن و فکر کردن با خودکارآمدی ( $r = 0.223$ ،  $p = 0.139$ ) رابطه معنی دار وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین ( $r^2$ ) ۴/۹، ۱/۹ درصد واریانس بین سبک های یادگیری احساس کردن و فکر کردن با خودکارآمدی با خودکارآمدی مشترک بوده است. لذا سؤال پژوهش مبنی بر این که بین سبک های یادگیری احساس کردن و فکر کردن با خودکارآمدی رابطه وجود دارد، تأیید می گردد. رابطه بین سبک های یادگیری تماشا کردن و انجام دادن با خودکارآمدی معنی دار نیست.

جدول (۶) - ضریب همبستگی بین سبک یادگیری با خود کارآمدی

متغیر ملاک	خود کارآمدی		
	شاخص آماری	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی
متغیر پیش بین	سطح معناداری		
احساس کردن	۰/۰۰۱	۰/۰۴۹	۰/۲۲۳**
تماشا کردن	۰/۴۷۴	۰/۰۰۲	۰/۰۴۹
فکر کردن	۰/۰۴۳	۰/۰۱۹	۰/۱۳۹*
انجام دادن	۰/۰۶۹	۰/۰۱۵	۰/۱۲۵

p ≤ ۰/۰۱

در اینجا سؤال این است که متغیر سبک های یادگیری می تواند پیش بینی کننده خودکارآمدی باشد؟ در این وضعیت از رگرسیون چندگانه جهت پیش بینی متغیر ملاک استفاده شد. پس از تعیین معادله رگرسیون می توان گفت کدام یک از مؤلفه ها متغیر پیش بین (مستقل) در پیش بینی متغیر ملاک (وابسته) نقش تعیین کننده تری دارد. به طوری که یافته های جدول (۷) نشان می دهد از بین متغیرهای مورد مطالعه در رگرسیون بهترین پیش بینی کننده خودکارآمدی در گام اول احساس کردن از سبک یادگیری بوده است. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام ارتباط بین احساس کردن از سبک یادگیری با خودکارآمدی معنادار بوده است. بر این اساس در گام اول ضریب احساس کردن ۵ درصد واریانس خودکارآمدی را تبیین می کند. F مشاهده شده در سطح  $p \leq ۰/۰۱$  معنادار بوده است بنابراین رگرسیون قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد.

جدول (۷) - جدول ضریب همبستگی چندگانه سبک های یادگیری با خود کارآمدی

شاخص	متغیر پیش بین	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه تعدیل شده	ضریب F	سطح معناداری
گام اول	احساس کردن	۰/۲۲۳	۰/۰۵۰	۰/۰۴۵	۱۰/۹۵۹	۰/۰۰۱

p ≤ ۰/۰۱

یافته ها در جدول (۸) حاکی از آن است که ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در احساس کردن، خود کارآمدی را ۰/۲۲۳ واحد کاهش می دهد. معادله پیش بینی سؤال پژوهش به شکل زیر قابل ارائه است:

$$\text{خود کارآمدی} = (۳/۹۱۹) + \text{احساس کردن} (-۰/۲۱۹)$$



جدول (۸) - جدول ضریب بتا در پیش بینی خود کارآمدی

متغیر ملاک	شاخص آماری	متغیر پیش بین	ضرایب بتای غیر		ضرایب بتای استاندارد	ضریب t	سطح معناداری
			خطای معیار	بتا			
خود کارآمدی	گام اول	احساس کردن	۰/۰۶۶	-۰/۲۱۹	-۰/۲۲۳	-۳/۳۱۰	۰/۰۰۱

$p \leq 0.01$

به طوری که از جدول (۹) ملاحظه می شود رابطه سبک های تماشا کردن، فکر کردن و انجام دادن با خودکارآمدی معنادار نبوده است.

جدول (۹) - جدول متغیرهای بیرون معادله در رگرسیون برای پیش بینی خود کارآمدی با سبک های یادگیری

مقیاس	بتا	مقدار t	سطح معناداری
گام اول			
تماشا کردن	-۰/۱۱۳	-۱/۶۱۳	۰/۱۰۸
فکر کردن	۰/۰۹۵	۱/۳۹۴	۰/۱۶۵
انجام دادن	۰/۰۲۹	۰/۳۸۲	۰/۷۰۲

$p \leq 0.05$

سؤال: بین نمرات خود کارآمدی بر حسب سبک یادگیری تفاوت وجود دارد.

نتایج مندرج در جدول (۱۰) نشان می دهد که بین نمرات خودکارآمدی بر حسب سبک های یادگیری تفاوت معنی دار وجود دارد..

جدول (۱۰) - تحلیل واریانس یک راهه نمرات خودکارآمدی بر حسب سبک یادگیری.

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۲/۴۰۰	۳	۰/۸۰۰	۴/۲۵۷	۰/۰۰۶
درون گروهی	۳۹/۲۶۸	۰/۲۰۹	۰/۱۸۸		
کل	۴۱/۶۶۸	۰/۲۱۲			

آزمون های زوجی ارائه شده در جدول (۱۱) تفاوت بین گروه ها را نشان می دهد. نتایج این جدول نشان می دهد بین نمرات خودکارآمدی دانش آموزان با سبک یادگیری همگرا با دانش آموزان با سبک یادگیری واگرا تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول (۱۱) - آزمون زوجی نمرات نمرات خودکارآمدی بر حسب سبک های یادگیری

سبک یادگیری	سبک یادگیری	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
همگرا (۳/۵۷)	واگرا (۳/۲۹)	۰/۲۷۸	۰/۰۰۳

## ۶. بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد سبک احساس کردن قابلیت پیش بینی خودکارآمدی را دارد به طوری که افزایش آن کاهش خودکارآمدی را در پی دارد. با توجه به اینکه در سبک (شیوه) احساس کردن فرد بیشتر به احساسات درونی و توانایی های خود متکی است تا بر یک رویکرد نظام دار نسبت به حل مسئله و موقعیت ها و در این مرحله به احساسات خود اعتماد می کند و قادر نیست ذهنی باز داشته باشد لذا برای تقویت خودکارآمدی دانش آموزان باید به سبک های یادگیری دانش آموزان توجه شود و سعی شود سبک احساس کردن دانش آموزان تغییر یابد تا باعث کاهش خودکارآمدی آنان نگردد.

پژوهش فلدمن (۲۰۰۴) حاکی از آن است که خودارزیابی، خودکارآمدی و تشخیص به موقع موقعیت های مسأله دار از جمله معیارهایی هستند که به واسطه آنها می توان ابعاد مختلف یادگیری را ایجاد کرد و برای جبران ضعف ها و افزایش قوت ها به کار برد (قلی زاده و احقر، ۱۳۹۱) [۸]. در مورد متغیر خودکارآمدی سن و یلماز [۵]. معتقدند که باورهای خودکارآمدی بالا به انجام مطالعات عملی با هدف یافتن راه حل مشکل کمک می کند. عدم توجه به خودکارآمدی و سبک های یادگیری در موقعیت های مختلف می تواند منجر به این شود که برخی از بهترین و با ارزش ترین استعدادها و سرمایه های بالقوه، حذف یا نادیده گرفته شوند.

نتایج پژوهش نشان داد که دانش آموزان از سبک های متفاوتی در یادگیری استفاده می کنند و افراد با سبک های یادگیری متفاوت از سطوح خودکارآمدی متفاوتی برخوردارند. همچنین دانش آموزان فنی و حرفه ای از سبک انجام دادن بیشتر استفاده می کنند. در بین چهار سبک احساس کردن، تماشا کردن، فکر کردن و انجام دادن، تنها بین دو سبک احساس کردن و فکر کردن با خودکارآمدی رابطه معنادار وجود داشته است که از بین این دو سبک تنها، سبک احساس کردن پیش بین معناداری برای خودکارآمدی بوده است.

همایونی و عبداللهی (۱۳۸۲) معتقدند سبک های یادگیری هم اکتسابی و هم زیستی هستند. بنابراین، نوع برخورد با دانش آموزان در مراکز آموزشی بر سبک های یادگیری آنها تأثیر می گذارد. بدین ترتیب شناسایی و آگاهی از سبک های یادگیری می تواند در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقش مهمی داشته باشد. در بسیاری از موقعیت ها و محیط های آموزشی و شغلی به توانایی های افراد توجه می شود و مطمئناً توانایی ها برای موفقیت در مدرسه، موقعیت های شغلی و زندگی بعدی مهم و ضروری هستند، اما باید این مسئله را در نظر داشت که توانایی ها به تنهایی نمی توانند عامل موفقیت باشند بلکه باید عوامل دیگر مانند سبک های یادگیری و خودکارآمدی را هم از عوامل مهم و مؤثر در موفقیت تحصیلی و شغلی افراد در نظر گرفت [۱۷].

نتایج مطالعات استرنبرگ (۱۹۹۷) نشان داد که سبک ها مانند توانایی ها تا حدود زیادی حاصل تعامل فرد با محیط و توسعه و تحول پذیر هستند. بنابراین سبک ها ثابت نیستند، بلکه سیال هستند به این معنی که سبک های متفاوت چه بسا در موقعیت های متفاوتی به کار گرفته شوند. فردی که در یک موقعیت به سبک خاصی عمل می کند ممکن است در موقعیتی دیگر به سبک دیگری عمل کند. هر چند افراد سبک خاصی دارند و آن را به کار می گیرند، اما در چهارچوب آن سبک محبوس

نمی مانند و قادر هستند سبک های مختلف خود را با موقعیت ها و تکالیف مختلف هماهنگ کنند. دارا بودن نیم رخى از سبک ها به خودى خود نه خوب است و نه بد ، زیرا مهم هماهنگی و انطباق آنها با یک موقعیت یا تکلیف خاص است (قلی زاده واحقر، ۱۳۹۱) [۸].

دی کی و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش های خود به این نتیجه دست یافتند که معمولاً به کارگیری یک روش یادگیری توسط دانش آموزان بیان کننده قوی ترین روش یادگیری آنها نیست. سبک یادگیری منعکس کننده این واقعیت است که افراد در استفاده از برخی فرآیندها یا مجموعه های یادگیری نسبت به فرآیندها یا مجموعه های یادگیری دیگر شایستگی بیشتری دارند (قلی زاده واحقر، ۱۳۹۱) [۸]. در راستای نتایج و یافته های پژوهش حاضر شناسایی سبک های یادگیری دانش آموزان از سازه های مهم و پیش بینی کننده های قوی و مناسبی در زمینه خودکارآمدی آنهاست.

## مراجع

۱. شیرزادی ، ب. و شرفخانی، ع. و مهماندوست، ن. (۱۳۹۵)، " بررسی نقش میانجی اهمال کاری در رابطه بین سبک های یادگیری و خودکارآمدی در دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان بجنورد در سال تحصیلی ۹۵-۹۴"، اولین کنفرانس بین المللی تحولات نوین در مدیریت اقتصاد و حسابداری.
۲. اعتمادی نائینی، م. و زارع ، م. و خالقی پور، ش. (۱۳۹۵)، " بررسی رابطه بین سبک های شناختی، راهبردهای شناختی - فراشناختی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان مبارکه در سال تحصیلی ۹۵-۹۴"، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، Available from: [https://www.civilica.com/Paper-PSCONF04-PSCONF04\\_300.html](https://www.civilica.com/Paper-PSCONF04-PSCONF04_300.html)
۳. خلیفه، ق. و نوروزی، د. و امیرتیموری، م. ح. و شهروی، ش. (۱۳۹۳)، " بررسی رابطه بین سبک های یادگیری با خودکارآمدی رایانه ای دردانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی"، اولین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان، شادگان، Available from: [https://www.civilica.com/Paper-PESSH01-PESSH01\\_043.html](https://www.civilica.com/Paper-PESSH01-PESSH01_043.html)
۴. Won gtienlai , K and Yaemsuda, T and Kampak, K and Mornthawee , S. (۲۰۱۵), " Learning Styles and Naval Medical Department", Social and Behavioral Scinces, ۱۹۷, pp ۱۰۱۸-۱۰۲۲.
۵. Sen ,S and Yilmaz, A. (۲۰۱۲) , "The effect of learning styles on students' misconceptions and self – efficacy for learning and performance", Social and Behavioral Sciences, ۴۶, pp ۱۴۸۲-۱۴۸۶
۶. Kolb ,D.A. (۱۹۸۵), " Experiential. Learning Theory Bibliography", Experience Based Learning Systems Inc, Cleveland, OH.
۷. غیبی ، م. و عارفی ، م. و دانش، ع. (۱۳۹۱) ، " رابطه سبک های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان گروه های تحصیلی"، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال ۶. ۱ (۲۱): ۵۳-۶۹.
۸. قلی زاده، ر. و احقر، ق. (۱۳۹۱)، " بررسی نقش سبک های یادگیری در تبیین خودکارآمدی دانش آموزان دوره متوسطه"، اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۸، ۳: ۸۷-۶۷.
۹. منصوری ، ن. (۱۳۷۹) ، " بررسی ارتباط ویژگی های شخصیتی و سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستان های تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه الزهراء تهران ، تهران.
۱۰. سیف، ع. ا. (۱۳۹۰)، " روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش"، ویرایش ۶. چاپ دهم. تهران : انتشارات دوران، ۷۰۸ صفحه.
۱۱. Cesur, M.O. (۲۰۱۱), " A model explaining relationship between strategies , learning styles and success in reading comprehension", Journal of Education, ۴۱, pp ۸۳-۹۳

۱۲. Wagner, K.W.(۲۰۰۷) , “what is self –efficacy”, International Journal of HRM, ۱۸,pp ۱۷۴۸-۱۷۶۷.
۱۳. Strongman, K.T.(۲۰۰۶), “Applying Psychology to Everday life A beginners Guide” , John weiley and sons ltd.
۱۴. Tabakhnick, B.G .and Fidell , L.S. (۲۰۰۷), “Using multivariate statistics (۵<sup>th</sup> ed.)”, Boston: Allyn & Bocon.
۱۵. رشیدی، م. (۱۳۹۰)، “تاثیر آموزش مهارت های فراشناخت بر خودکارآمدی دانش آموزان دختر دوره متوسطه”، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان.
۱۶. نقره کوب مقدم، م. (۱۳۹۴)، “بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت های حل مسئله بر خود کارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهرستان اصفهان”، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه خوارسگان اصفهان، اصفهان.
۱۷. همایونی، ع. و عبداللهی، م. ح. (۱۳۸۲)، “بررسی رابطه سبک های یادگیری کلب و نقش آن در پیشرفت تحصیلی دروس ریاضی و زبان انگلیسی دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان”، مجله روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، سال هفتم، ۲۶: ۴۲-۴۸.

Available from: [https://www.civilica.com/Paper-MDMCONF۰۱-MDMCONF۰۱\\_۰۵۵.htm](https://www.civilica.com/Paper-MDMCONF۰۱-MDMCONF۰۱_۰۵۵.htm)